

منابع نفت و گاز مشترک از منظر حقوق بین الملل

دکتر جواد کاشانی

استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی

دانشگاه علامه طباطبائی



مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی

تهران - ۱۳۸۹

سرشناسه	: کاشانی، جواد
عنوان و نام پدیدآور	: منابع نفت و گاز مشترک از منظر حقوق بین الملل/جواد کاشانی
مشخصات نشر	: تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری	: ۳۲۴ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۸۲۰۰-۵۴-۶
یادداشت	: کتابنامه ص. ۳۱۷-۳۲۴. همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	: نفت - جنبه های حقوقی
موضوع	: نفت - جنبه های بین المللی
موضوع	: نفت - قراردادها
موضوع	: گاز - جنبه های حقوقی
شناسه افزوده	: عنوان
رده بندی کنگره	: K۳۹۱۵/ک۲م۸ ۱۳۹۲
رده بندی دیویی	: ۳۴۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۸۴۷۶۵۸

عنوان : منابع نفت و گاز مشترک از منظر حقوق بین الملل

مؤلف : دکتر جواد کاشانی

ناشر : مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش

نوبت چاپ : دوم

تاریخ چاپ : ۱۳۹۳

شمارگان : ۵۰۰ نسخه

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۸۲۰۰-۵۴-۶

قیمت : ۱۶۰,۰۰۰ ریال

حق چاپ محفوظ است.

تهران - خیابان کریم خان زند - خیابان سنایی - خیابان نهم - خیابان گیلان - پلاک ۵

کدپستی ۱۵۸۵۷۴۳۱۱، صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۴۵۳۹، تلفن: ۸۸۸۱۱۵۸۱، نمابر: ۸۸۸۱۱۵۸۰

Website: www.sdil.org

Email: publication@sdil.org

سخن ناشر

هر نظام حقوقی نظامی اجتماعی است. در حقیقت قاعده حقوقی که رکن اساسی هر نظام حقوقی است در راستای چارچوب‌بندی روابط اجتماعی و برقراری نظم و انضباط اجتماعی از محیط پیرامون خویش تأثیر می‌پذیرد. قاعده حقوقی اصیل آن قاعده‌ای است که ضمن انطباق با ضرورت‌های اجتماعی جامعه خود، از صورت‌بندی مناسبی نیز برخوردار باشد. هماهنگی میان صورت و ماده است که قاعده حقوقی را قاعده‌ای اصیل، و ضمن برخورداری از خصیصه ثبات، پویا و متحول جلوه می‌دهد. محیط اجتماعی هر قاعده حقوقی ملی یا بین‌المللی مجموعه‌ای از آرمان‌ها، سنت‌های فکری و فلسفی، و واقعیت‌های تاریخی و جغرافیایی است که در تکوین، رشد و توسعه، و پایان حیات قاعده همواره تأثیرگذار است. تولد، حیات و مرگ قاعده حقوقی در ظرف اجتماعی آن صورت می‌پذیرد.

در این میان تأثیر عوامل جغرافیایی بر قواعد حقوقی، به لحاظ واقعیت فیزیکی و مادی آن عوامل شایسته توجهی ویژه می‌باشند. واقعیت آن است که چه در حقوق داخلی و چه در حقوق بین‌الملل، عوامل جغرافیایی در شکل‌گیری و تکامل نهادها و قواعد حقوقی تأثیر بسزایی داشته و دارند. حق ارتفاق و حریم املاک در حقوق داخلی، و مفاهیمی چون حسن همجواری، مرزهای سیاسی، مناطق دریایی و اتحادیه‌های منطقه‌ای در حقوق بین‌الملل، مبین تأثیر عامل جغرافیا بر قواعد و مفاهیم حقوقی است.

اشتراک در منابع نفت و گاز میان دو یا چند کشور، یا میان یک کشور و جامعه بین‌المللی در منطقه میان فلات قاره و منطقه بین‌المللی اعماق، شرکا را ناچار می‌سازد که در تحدید حدود منابع، و کاوش و بهره‌برداری از آن به قانونمندی روابط خویش مبادرت ورزند و منافع متقابل را از رهگذر تنظیم چارچوب‌های حقوقی مناسب تعقیب نمایند. طبیعت سیال نفت و گاز، و موقعیت استراتژیک این منابع در دنیای صنعتی امروز، تعیین وضعیت این منابع را از منظر حقوق بین‌الملل قدری حساس، و با توجه به ویژگی‌های خاص هر منبع قدری حساس، و با توجه ویژگی‌های خاص هر منبع قدری

پیچیده می‌نماید. این موضوع در کشورهایی مثل ایران که صنعت و اقتصاد آنها بر این منابع اتکا یافته، و از منابع نفت و گاز مشترک متعدد با کشورهای همجوار برخوردارند اهمیتی به مراتب فراوان دارد.

آقای دکتر جواد کاشانی عضو محترم هیأت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی در کتاب "منابع نفت و گاز مشترک از منظر حقوق بین‌الملل" کوشیده است تا از رهگذر تجزیه و تحلیل موافقتنامه‌های بین‌المللی و رویه‌های موجود، اصول و قواعد مشترک در این زمینه را استخراج و مورد واکاوی قرار دهد. مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش با ارج نهادن بر زحمات مؤلف، امیدوار است که جامعه حقوقی کشور و نیز دست اندرکاران صنعت نفت و گاز از دستاوردهای این تحقیق ژرف بهره لازم را برده و در حفاظت از این سرمایه ملی و بهره‌برداری بهینه از منابع نفت و گاز مشترک به ویژه در خلیج فارس و دریای خزر بیش از پیش کوشا باشند.

دکتر وحید اشتیاق

فهرست اجمالی مطالب

۵.....	سخن ناشر
۱۳.....	فهرست تفصیلی مطالب
۲۳.....	فهرست اختصارات
۲۵.....	مقدمه
۳۳.....	بخش نخست منابع مشترک نفت و گاز از واقعیت طبیعی تا رابطه بین المللی
۳۳.....	گفتار نخست: کلیات
۴۹.....	گفتار دوم مرز بین المللی و منابع نفت و گاز
۶۳.....	گفتار سوم چگونگی مواجهه نظام های حقوقی ملی با منابع مشترک نفت و گاز
۸۷.....	بخش دوم منابع مشترک نفت و گاز و موضع حقوق بین الملل
۹۰.....	گفتار نخست معاهدات بین المللی
۱۲۰.....	گفتار دوم عرف بین المللی
۱۳۰.....	گفتار سوم اصول کلی حقوقی
۱۳۷.....	گفتار چهارم رویه مراجع حل و فصل اختلافات بین المللی
۱۵۰.....	گفتار پنجم اقدامات سازمان ملل متحد در مورد منابع طبیعی مشترک
۱۸۰.....	گفتار ششم دیدگاه های علمای حقوق بین الملل
۲۰۷.....	گفتار هفتم مسئولیت بین المللی

بخش سوم منابع نفت و گاز و قالب‌های حقوقی موجود و قابل توصیه برای بهره‌برداری مشترک	۲۳۷
گفتار نخست موافقتنامه‌های مناسب برای توسعه منابع مشترک نفت و گاز در مناطق فاقد تحدید حدود مرزی	۲۳۹
گفتار دوم موافقتنامه‌های مناسب برای توسعه منابع مشترک نفت و گاز در مناطق مرزی تحدید حدود شده	۲۷۵
فرجام سخن	۳۰۱

فهرست اختصارات

AIPN	Association of International Petroleum Negotiators
AJICL	African Journal of International and Comparative Law
AJIL	American Journal of International Law
ALI	American Law Institut)
APEC	Asia-Pacific Economic Co-operation
ASEAN	Association of South East Asian Nations
ASIL	American Society of International Law
AISA	Authority International Sea-bed Authority
BYIL	British Yearbook of International Law
CERDS	1974 Charter of Economic Rights and Duties of States
CHM	Common heritage of humankind
CIME	OECD Committee on International Investment and Multinational Enterprises
ECOSOC	Economic and Social Council (of the UN)
EC	European Community
EEC	European Economic Community
EECT	European Energy Charter Treaty
EEZ	Exclusive Economic Zone
EJIL	European Journal of International Law
EU	European Union
FRG	Federal Republic of Germany
GA	General Assembly (of the UN)
GAOR	General Assembly Official Records
GATT	General Agreement on Tariffs and Trade
GYIL	German Yearbook of International Law
ICJ	International Court of Justice
ICJ	Reports International Court of Justice, Reports of Judgments, International and Comparative Law Quarterly
ICSID	International Centre for the Settlement of Investment Disputes
IDA	International Development Association
IEA	International Energy Agency
IFC	International Finance Corporation
ILA	International Law Association
ILC	UN International Law Commission
ILM	International Legal Materials
ILR	International Law Reports
IMS	International Minimum Standard (of Civilization)
NIEO	New International Economic Order
NILR	Netherlands International Law Review
NYIL	Netherlands Yearbook of International Law
NYUJILP	New York University Journal of International Law and Politics
OECD	Organization for Economic Co-operation and Development
Off.Rec.	Official Records of UNCLOS III
OAPEC	Organization of Arab Petroleum Exporting Countries
ODA	Official Development Assistance
ODIL	Ocean Development and International Law
OPEC	Organization of Petroleum Exporting Countries
PCIJ	Permanent Court of International Justice
PSNR	Permanent Sovereignty over Natural Resources
Res.	Resolution
RIAA	Reports of International Arbitral Awards
UK	United Kingdom
UN	United Nations

UNCED	UN Conference on Environment and Development
UNCITRAL	UN Commission on International Trade Law
UNCLOS	UN Conference on the Law of the Sea
UNCTAD	UN Conference on Trade and Development
UNCTC	UN Centre on Transnational Corporations
UNDP	UN Development Programme
UNEP	UN Environment Programme
UNESCO	UN Educational, Scientific and Cultural Organization
UNIDO	UN Industrial Development Organization
UNTS	UN Treaty Series
UNYB	UN Yearbook
USA	United States of America
WCED	World Commission on Environment and Development
WTO	World Trade Organization

مقدمه

حاکمیت دولت‌ها در حقوق بین‌الملل به رغم وجود برخی دیدگاه‌های بحث برانگیز، اصطلاح شناخته شده‌ای است و عمری به بلندای عمر دولت دارد. یکی از جلوه‌های این حاکمیت، صلاحیت انحصاری دولت‌ها در بهره‌برداری از منابع طبیعی واقع در قلمرو آن‌ها اعم از خشکی، دریایی و فضای بالای کشور و به تبع آن بازداشتن دولت‌های دیگر از استفاده از آن منابع بدون رضایت دولت اخیر است. از جمله مهم‌ترین منابع تحت حاکمیت دولت‌ها، مخازن نفت و گاز می‌باشد. هر دولتی تلاش دارد تا به بهترین شیوه ممکن از این منابع تجدیدنپذیر بهره‌برداری کرده و عواید حاصل از آن را برای توسعه و بهبود زندگی شهروندان خود به کار گیرد.

نفت به عنوان یکی از مهم‌ترین حامل‌های انرژی از تاریخ کشف آن (کشف تجاری و از طریق حفاری) در ۱۵۰ سال پیش در پنسیلوانیای آمریکا تا به امروز فراز و فرودهای فراوانی داشته است. این کالای معمولی اقتصادی در کمترین زمان ممکن به یک کالای مهم و با ارزش اقتصادی تبدیل شد و به دلیل اثرات بی‌بدیل آن در صنعت و تأمین انرژی، جنبه سیاسی یافت و دیر زمانی است که از دید سیاست‌مداران به عنوان یک کالای راهبردی و امنیتی مطرح شده است.

امروزه با تکنولوژی اکتشاف و استخراج موجود، تقریباً احتمال دستیابی به محلی که با حفاری کم عمق و ساده بتوان به نفت سرشار رسید، منتفی است. در نتیجه یافتن میادین جدید نفت پر هزینه و توأم با صرف وقت زیاد صورت خواهد گرفت. این واقعیت باعث شده است برخی مسائل اختلافی در مورد میدان‌های نفتی مشترک که در مرز بین دو یا بیش از دو کشور قرار می‌گیرد و پیشتر کمتر مورد توجه بودند، از اهمیت زیادی‌تری برخوردار شوند و بخشی از حقوق بین‌الملل نفت و گاز را به خود اختصاص دهند.

مبنا و منشأ اختلافات در این موضوع ناشی از طبیعت نفت و گاز است. این منابع بر خلاف معادن جامد که به آسانی و بر اساس خطوط مرزی تعیین شده بین کشورها، قابل تقسیم می‌باشند، به دلیل سیال بودن، مهاجرت می‌کنند و شکل مخزن خود را

می‌گیرند و با بهره‌برداری از آن توسط یک دولت ذینفع در قلمرو سرزمینی خود، کل یا بخش قابل ملاحظه‌ای از مخزن که در سرزمین کشور مجاور قرار گرفته نیز بدون رضایت آن کشور مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد.

این عمل با توجه به اصل بنیادین احترام به حاکمیت سرزمینی، وحدت و تمامیت سرزمینی و منع مداخله می‌تواند نوعی تجاوز خاموش یا پنهان به قلمرو سرزمینی کشور دیگر تلقی شود، از سوی دیگر منع کشور شریک در منبع از بهره‌برداری از مخزن مشترک نیز به نوبه خود مغایر با همان اصول یا اصول دیگر حقوق بین‌الملل خواهد بود.

بر اساس یک نظریه قدیمی مورد قبول در اکثر نظام‌های حقوقی بزرگ، مالک زمین، مالک سطح زیر و فضای محاذی آن تا هر قدر که بالا یا پایین برود، می‌باشد. اما این نظریه برای اداره و پاسخگویی به مسائل مربوط به مالکیت بر مواد سیال زیر زمین کافی نیست.

از دیدگاه برخی حقوقدانان، نفت و گاز در زیر زمین، مانند جانوران وحشی یا پرندگان می‌باشند که در ملک هر کس بروند، صاحب زمین نسبت به آن حق پیدا می‌کند و می‌تواند آن را حیات کرده و مالک آن شود. لذا وقتی مالکی در ملک خود حفاری می‌کند و به مخزن نفت یا گاز می‌رسد و آن را استخراج می‌کند، حقوق مالکانه نسبت به آن به دست می‌آورد ولو اینکه نفت یا گاز استحصال از مخزنی باشد که بخشی از آن در زمین مجاور قرار داشته است.

در این قبیل اختلافات، گرایش اولیه دادگاه‌های رسیدگی کننده به ادعای مالک زمین مجاور دایر بر اینکه بهره‌برداری همسایه از چاه نفت واقع در زمین خود موجب تخلیه مخزن نفت زیرزمینی مشترک گردیده، این بوده است که تنها راه جبران خسارات در چنین مواردی آن است که مدعی نیز تا جایی که می‌تواند با حفر چاه در زمین خود از مخزن بهره‌برداری کند و نگذارد نفت مخزن به سمت همسایه برود، بنابراین از این منظر، مالکیت یا حاکمیت بر زمین لزوماً و خود بخود مساوی با مالکیت بر نفت و گاز نیست.

بر پایه چنین باوری، تردیدی وجود ندارد که روابط بین کشورهای ذینفع در مخزن مشترک به زودی به یک رقابت فرسایشی بینجامد که صرفنظر از تهدید صلح و امنیت بین‌المللی، آسیب اصلی آن به میدان‌های نفتی و محیط زیست وارد و باعث افزایش هزینه‌های اکتشاف و بهره‌برداری شود. ضمناً نامساوی بودن کشورها در برخورداری از

امکانات فنی اکتشاف و استخراج نیز به مشکلات دامن می‌زند و از همه بدتر نظم بازار نفت را به علت فزونی عرضه نسبت به تقاضا به هم خواهد ریخت.

دیدگاه دیگر در این خصوص معتقد است چنین مخازنی حکم مال مشاع و در بحث ما بین‌المللی را دارد که هیچ یک از شرکا نمی‌توانند بدون رضایت شریک دیگر در آن دخل و تصرف کند.

دیدگاه اخیر امروزه با همین توجیه یا با توجیهات دیگر، تا حدی مورد قبول قرار گرفته است و برای برون رفت از وضعیت گفته شده در چهل سال اخیر، موافقتنامه‌های دو یا چند جانبه زیادی بین دولت‌هایی که چنین منابعی در طول تقاطع خطوط مرزی آن‌ها وجود دارد، منعقد شده و یا بهنگام تنظیم موافقتنامه‌های تحدید حدود مرزی به کشف احتمالی چنین منابعی اشاره شده و در هر دو مورد به اصل همکاری در بهره‌برداری مشترک و چگونگی عملی ساختن این همکاری پرداخته‌اند. مزیت این همکاری علاوه از کمک به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و در نظر گرفتن حقوق همه کشورهای ذینفع در منبع مشترک، حداکثرسازی بهره‌برداری از منبع، صرفه‌جویی‌های اقتصادی در بخش اکتشاف و استخراج و کاهش قیمت تمام شده نفت استحصالی، حفاظت از منابع و رعایت الزامات زیست محیطی و انضباط مالی را به همراه دارد.

بر همین اساس از سال ۱۹۵۸ که اولین موافقتنامه بین‌المللی در خصوص بهره‌برداری از منابع مشترک بین عربستان و بحرین منعقد گردید تاکنون بیش از ۱۴۰ مورد موافقتنامه بین‌المللی تنظیم شده که یا مستقیماً به همکاری در بهره‌برداری از منابع مشترک نفت و گاز اختصاص داشته یا در تحدید حدود به موضوع توجه و تصریح شده است. البته در هر کدام از این ترتیبات همکاری، شکل و قالب‌های حقوقی مختلفی با توجه به خصوصیات عمومی و فنی مخزن و روابط فی مابین کشورها به کار گرفته شده است.

از جمله این ترتیبات می‌توان به بهره‌برداری انفرادی هر کشور به طور همزمان با تعیین محدوده هر طرف، بهره‌برداری یک طرف و پرداخت عایدات به طرف دیگر و تشکیل نهادی مشترک برای اداره منطقه مشترک و بهره‌برداری و یا آحادسازی مخزن اشاره کرد، که البته در هر یک از صورت‌های گفته شده نیز قالب‌های حقوقی متعارف در صنعت نفت برای اکتشاف، توسعه و بهره‌برداری به کار گرفته می‌شود.

سؤال اساسی در مورد این قبیل مخازن مشترک، آن است که آیا علیرغم رویه‌ای چنین گسترده بین کشورهای ذینفع و با وجود مقررات حقوق بین‌الملل دریاها، آنچه از آرای مراجع قضایی و داوری بین‌المللی به دست آمده است، قطعنامه‌های مجمع عمومی ملل متحد در خصوص چگونگی بهره‌برداری از منابع طبیعی و اخذ وحدت ملاک و تنقیح مناط در مقررات بین‌المللی راجع به برخی از گونه‌های منابع جاندار مهاجر دو کاشانه‌ای و ضوابط آبراه‌های بین‌المللی، می‌توان در خصوص منابع مشترک نفت و گاز به نوعی قاعده بین‌الملل عرفی دایر بر ممنوعیت حیازت یا بهره‌برداری رقابتی و لزوم همکاری در بهره‌برداری از منابع موصوف معتقد بود؟

در صورت مثبت بودن پاسخ و امکان الزام کشورهای ذینفع به همکاری آیا چارچوب این همکاری به قدر کافی روشن است؟

با توجه به تعریف مختصر بالا از موضوع، این تحقیق به دنبال بررسی رژیم حقوقی بین‌المللی حاکم بر منابع مشترک نفت و گاز واقع در مرزهای کشورها می‌باشد. دامنه این بررسی موارد زیر را در بر می‌گیرد:

منابع مشترک نفت و گاز در مرزهای بین دو یا چند کشور که کشف شده‌اند.
منابع مشترک نفت و گاز در مرزهای بین دو یا چند کشور که هنوز کشف نشده‌اند.
منابع مشترک نفت و گاز در مرزهای خشکی دو یا چند کشور اعم از اینکه مرزها تحدید حدود شده یا نشده باشند.
منابع مشترک نفت و گاز در مرزهای آبی

قسم چهارم از دامنه بحث دارای فروع مختلف به شرح ذیل است:
منابع مشترک نفت و گاز در مرزهای آبی تحدید حدود شده دو یا چند کشور.
منابع مشترک نفت و گاز در مرزهای آبی تحدید حدود نشده دو یا چند کشور که در آن‌ها ادعاهای تداخل در مناطق دریایی وجود دارد.
منابع مشترک نفت و گاز واقع در مرزهای آبی کشورها با آب‌های آزاد در محدوده عمل مقام بین‌المللی اعماق دریاها.

در این کتاب مانند هر تحقیق حقوقی، حداقل می‌توان دو هدف را مد نظر داشت. هدف اول که بیشتر جنبه کاربردی دارد به تبیین قواعد موجود حقوقی حاکم بر پدیده‌ای

مشخص - در تحقیق ما دارای جنبه بین‌المللی می‌پردازد. در این مرحله از هدف، کار محقق محدود به شناسایی قواعد مورد نظر، حدود قلمرو آن‌ها و چگونگی انطباق آن‌ها با مصادیق پیش‌رو و حداکثر توسعه قواعد شناخته شده به کمک تفسیر و تحلیل از طریق قیاس برای پوشش مصادیق مشابه و همسایه که حسب ظاهر از دایره احکام قواعد شناسایی شده خارج‌اند، می‌باشد. این مرحله بیشتر شبیه کار قاضی یا وکیل است.

اما هدف دوم با نگاه عمیق به نیازهای جامعه بین‌المللی و زمینه‌هایی که در آن‌ها یا قاعده‌ای وجود ندارد یا در صورت وجود از ابهامات زیاد برخوردار است و یا متشتت و متناقض است، تلاش می‌شود که با اتکای به مقومات ساخت قواعد بین‌المللی، مجموعه‌ای از احکام هدف‌دار برای دستیابی به وضعیت جدید به جامعه حقوقی عرضه شود و یا آنچه را در حال اعمال و اجراست با ابزار پیش گفته به محک نقد زده و میزان انطباق صورت و مبنای قاعده را بنمایاند تا خلاءها آشکار شود و احتمالاً راه حل‌هایی نیز ارائه گردد.

با عنایت به نکات بالا هدف این تحقیق، تبیین حقوق و تکالیف کشورهای است که در مرز آن‌ها با یکدیگر مخازن نفت و گاز وجود دارد - اعم از اینکه مخزن مورد نظر قبلاً کشف شده باشد یا احتمال کشف آن در آینده برود و اعم از اینکه مرزهای کشورهای ذینفع تحدید حدود شده یا نشده باشد - تا در پرتو آن به یک منظومه‌ای از قواعد که بتوان نام رژیم حقوقی بین‌المللی حاکم بر منابع مشترک نفت و گاز واقع در مرز بین کشورها اطلاق نمود، دست یابیم.

موضوع کتاب پیش‌رو حداقل از دو جهت دارای ارزش و اهمیت است.

اول اینکه صلح و امنیت بین‌المللی به عنوان نقطه ثقل و عطف اهداف حقوق بین‌الملل مد نظر بوده و می‌باشد. تجربه نشان داده است که دستیابی به این هدف، بی‌تردید در سایه توسعه همکاری‌های بین‌المللی در زمینه بهره‌مندی از منابع طبیعی، رفع فقر و تبعیض و احترام به حقوق متقابل و حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات میسر است.

در عین حال یکی از اقدامات مهم در تأمین هدف مذکور شناسایی و مهار کانون‌های تهدیدکننده این اهداف می‌باشد، لذا دستیابی به قواعد لازم‌الاجرا در سطح بین‌المللی که کانون‌های بحران و تهدیدکننده صلح و امنیت را مهار کند از مهم‌ترین امور به حساب

می‌آید و ارزش کلی این تحقیق نیز در تبیین حقوق و تکالیف کشورهای ذینفع در یک مخزن مشترک نفت و گاز می‌باشد که در صورت مدیریت صحیح وضعیت گفته شده از طریق همکاری‌های بین‌المللی توأم با حسن نیت و رعایت حسن همجواری و اصول منطقی و منصفانه نه تنها از تجاوز و نقض صلح و امنیت بین‌المللی بلکه از بروز وضعیت‌های تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی هم جلوگیری خواهد شد.^۱

دوم اینکه ارزش و اهمیت ملموس‌تر و نزدیک‌تر این تحقیق در این حقیقت نهفته است که سرنوشت کشور ما (ایران) طی پنجاه سال اخیر به شدت به نفت و فروعات آن پیوند خورده است، این نعمت یا بقول برخی نعمت بین ۵۰ تا ۹۰ درصد از درآمد ارزی ایران را در سالیان گذشته تأمین کرده است، طبعاً کشوری با چنین وابستگی به نفت باید به طور پیوسته، وسیع و عمیق در همه زمینه‌های مربوط به مباحث نفت و گاز به کاوش بپردازد.

در حال حاضر کشور ما در مرزهای خشکی و آبی خود با کشورهای همسایه دارای مخازن مشترک نفت و گاز می‌باشد. لذا، نتیجه این تحقیق هر چه که باشد می‌تواند در تبیین استراتژی سیاست‌گذاران کشور در مورد منابع مشترک نفت و گاز با همسایگان مفید و دارای جنبه کاربردی باشد.

با توجه به نکات گفته شده تلاش می‌شود به پرسش‌های زیر پاسخ شایسته داده شود:
آیا قاعده‌ای دایر بر چگونگی اکتشاف و بهره‌برداری از منابع مشترک نفت و گاز بین کشورها در حقوق بین‌الملل وجود دارد؟

از این سؤال اصلی می‌توان سؤالات دیگری را به شرح زیر استخراج و مطرح کرد:

۱. برخی از نویسندگان سیاسی بیان کرده‌اند همانطور که نقشه‌های گسل‌های زمین‌شناسی جهان، راهنمای مفیدی برای تشخیص مناطق احتمالی زلزله می‌باشد، توجه به نظام بین‌المللی از منظر منابع مورد اختلاف - مخازن نفت و گاز مورد مناقشه، منابع آب مشترک و معادن الماس مورد مناقشه - نیز راهنمایی برای تشخیص حوزه‌های احتمال منازعات در قرن بیست و یکم را در اختیار ما می‌گذارد. مایکل کلار، «جنگ منابع چشم‌انداز جغرافیای جدید منازعات جهانی»، *مجله سیاست خارجی*، سال ۱۳۸۱ ص ۱۲۹. همچنین در گزارش گروه عالی کارشناسان سازمان ملل متحد تصدیق شده است که لازم است هنجارهای حاکم بر مدیریت منابع مشترک به خصوص در مورد کشورهایی که خطر درگیری بین آن‌ها وجود دارد یا در حال بروز است، توسعه یابد.

"A more secure world: our shared responsibility", *Report of the High-level Panel on Threats, Challenges and Change*, 2 December 2004, para. 92, UN Doc. A/59/565, www.un.org/secureworld/ last visited: 14/04/2007.

آیا بین رویه دولت‌ها در مورد اکتشاف و بهره‌برداری از مخازن مشترک نفت و گاز و تشکیل یک قاعده عرفی بین‌المللی، رابطه معنی داری وجود دارد؟

آیا معاهدات بین‌المللی فراگیر، واجد قاعده‌ای در مورد همکاری بین‌المللی در بهره‌برداری از منابع مشترک نفت و گاز می‌باشد؟

آیا آرای قضایی و داوری در تعیین رژیم حقوقی حاکم بر منابع مشترک نفت و گاز نقش داشته است؟

آیا قاعده‌ی عرفی در مورد منع بهره‌برداری یکجانبه از منبع مشترک نفت و گاز وجود دارد؟

آیا در صورت بهره‌برداری یکجانبه، دولت بهره‌برداری کننده مسئولیت بین‌المللی خواهد داشت؟

آیا بین موافقتنامه‌های دو یا چند جانبه بهره‌برداری از منابع مشترک نفت و گاز ضوابط یکسانی وجود دارد؟

این کتاب در سه بخش تنظیم شده است. در بخش اول که زمینه ورود به موضوع را آماده می‌سازد، یک گفتار به تعریف و روشن کردن برخی مفاهیم به کار رفته در عنوان کتاب و پاره‌ای اصطلاحات مهم و مؤثر در آن و پیشینه موضوع اختصاص یافته است. گفتار دوم به رابطه موضوع تحقیق با مفهوم مرز کشورها، تحدید حدود آن و تأثیر این مسأله در بهره‌برداری از منابع مشترک نفت و گاز و بالعکس پرداخته است. در گفتار سوم ضمن بیان حاکمیت و مالکیت، رویکرد نظام‌های حقوقی ملی نسبت به مسأله اشتراک در منابع معدنی مورد بررسی قرار گرفته است.

در بخش دوم به دنبال یافتن موضع حقوق بین‌الملل در مواجهه با منابع مشترک نفت و گاز و به بررسی منابع سازنده قواعد حقوق بین‌الملل پرداخته و مطالب را طی ۷ گفتار ارائه کرده‌ایم. در گفتار اول معاهدات خاص و عامی که به نوعی با موضوع مرتبط می‌باشند مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در گفتار دوم عرف بین‌المللی و عناصر سازنده آن در ارتباط با موضوع، مورد دقت قرار گرفته است. گفتار سوم به بررسی اصول کلی حقوقی و اصول حقوق بین‌الملل که به نوعی با موضوع مربوط و قابل استفاده می‌باشد، اختصاص یافته است. در گفتار چهارم آرای قضایی و داوری که مستقیم یا غیرمستقیم با موضوع مرتبط است و نقش این نهادها در ساخت قواعد حقوق بین‌الملل مطرح شده

است. در گفتار پنجم فعالیت‌های سازمان ملل متحد در قالب قطعنامه‌های مجمع عمومی و تلاش‌های کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص موضوع بحث بررسی شده‌اند. در گفتار ششم عقاید علمای حقوق در مورد مسأله تحلیل شده است و بالاخره در گفتار هفتم مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در برداشت یکجانبه از منابع مشترک مورد کنکاش قرار گرفته است.

بخش سوم کتاب به قالب‌های حقوقی موجود که روابط دولت‌های ذینفع در یک منبع مشترک را تنظیم می‌کند، اختصاص یافته است. در گفتار نخست به موافقتنامه‌های مناسب بهره‌برداری از منابع مشترک نفت و گاز برای مواردی که مرزها تحدید حدود نشده‌اند، توجه شده است و در گفتار دوم به موافقتنامه‌های مناسب برای مواردی که منابع مشترک نفت و گاز در مرزهای تحدید حدود شده یافت شوند، پرداخته شده است.